

# ضمیمه هفتم

انگیزه‌ها، زمینه‌های تاسیس و اهداف حزب جمهوری اسلامی  
از دیدگاه:  
دانشمند شهید حجت الاسلام و المسلمین دکتر باهنر

## دومین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

### اشاره:

این ضمیمه، متن کامل سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های دانشمند شهید حجه الاسلام و المسلمین دکتر باهنر دومین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی است که پیرامون انگیزه‌ها، زمینه‌های تاسیس و اهداف حزب جمهوری اسلامی ایراد شده است. حجم سخنان شهید باهنر نسبت به دیگر موسسان محترم حزب جمهوری اسلامی کمتر می‌باشد و این به سه دلیل است:

- 1- شهادت زود هنگام شهید باهنر (هشتم شهریور ماه 1360)
- 2- ایشان حدوداً به مدت یک ماه و نیم دبیرکل حزب جمهوری اسلامی بودند و چون در زمان حیات شهید بهشتی نیز اکثر مواضع سیاسی حزب جمهوری اسلامی توسط خود ایشان (شهید بهشتی) ابراز می‌شد لذا شهید باهنر کمتر مجال سخن داشتند.
- 3- ویژگی‌های شخصیتی ایشان به گونه‌ای بود که وجهه فرهنگی – علمی ایشان نمود بیشتری نسبت به وجهه سیاسی معظم له داشته است. لازم به ذکر است در متن سخنان ایشان هیچ گونه دخل و تصرفی صورت نگرفته و فقط در برخی موارد ضروری ویرایش فنی شده است.

## ابعاد لازمه حزب

ما حزب را بعنوان يك واحد سياسي، عقیدتی، اجتماعی معرفی می‌کنیم. حزب واحد سه بعدی است. جنبه سیاسی دارد چون اهداف حزب برتر و

وسیع‌تر از اهداف انجمن‌ها، کانونها، اتحادیه‌ها، جامعه‌ها و امثال آن است. انجمن يك گروه بهم پیوسته‌ای است که معمولا دارای يك هدف است مثلا هدف تبلیغی، آموزشی، امدادی یا اجتماعی را دنبال می‌کند. مانند انجمن مددکاران، انجمن تبلیغات اسلامی، کانون فرهنگی و غیره. به عنوان مثال «کانون نویسندگان» که برای اهداف مربوط به گروه خودشان، برای بارور کردن مساله نویسندگان و پیشرفت نویسندگی تشکیل می‌شود و یا «کانون هنرمندان» برای اینکه روی مساله هنر و دفاع از حقوق‌شان و اشاعه هنر و گسترش آن کار کنند. حتی این کانون‌ها و انجمنها می‌توانند هیچ هدف و جهت سیاسی و یا مذهبی نداشته باشند. یا «اتحادیه‌هایی» که تشکیل می‌شود که غالبا هدف صنفی دارد تا در جهت دفاع از حقوق‌شان پیشنهادهایی بدهند و یا رابطه با دیگر اصناف چگونه باشد گر چه گاهی اتحادیه‌های صنفی به مسایل سیاسی و اجتماعی کشانده می‌شوند. اما حزب عمیقا این سه جنبه را دارا است و گرنه حزب نیست.

## 1- اهداف سیاسی حزب

یعنی مدیریت جامعه و تنظیم رابطه جامعه با خارج و تنظیم روابط افراد و قشرهای اجتماعی با یکدیگر و مخصوصا طرح‌هایی در مدیریت اجتماعی و اداره حاکمیت و سیاست کلی جامعه. نقش سیاسی حزب در دولت کاملا لمس می‌شود. حکومت برای اداره جامعه تشکیل می‌شود روابط اقتصادی، روابط حقوقی، روابط اداری و اجتماعی آن جامعه را تنظیم می‌کند. در رابطه جامعه و ملت با سایر جوامع و دولتها دخالت می‌کند و در مجموع این جامعه را اداره می‌کند و حزب وقتی تشکیل می‌شود می‌خواهد در اداره جامعه دخالت کند یعنی در تشکیل حکومتها، در استیضاح حکومتها، در نظارت بر حکومتها، مواخذه حکومتها و اقدام برای عزل و سقوط حکومتها.

و باز در رابطه جامعه، يك ملت، يك امت با دیگر حرکت‌های آزادیبخش دنیا و با ابرقدرتها و با دول هم‌جوار و با احزاب مهم دخالت می‌کند. دولت باید تکلیفش را راجع به کشاورزی و منابع طبیعی، و امور بازرگانی معلوم کرده و شیوه‌ها و طرح‌های کلی برای اجرای آنها داشته باشد. وقتی يك حزب قوی شد می‌تواند عملا قدرت سیاست را در يك کشور بدست گیرد و اگر چند حزب در يك مملکت موجود بود درصد نفوذشان در حکومتها برحسب درصد موجودیت قدرتشان می‌باشد. اگر حزبی بتواند از 300 نماینده مجلس، 120 نماینده را در مجلس داشته باشد به معنی این است که 40% قدرت دولت را در دست گرفته‌اند. گاهی در مملکت دو حزب سرنوشت را در دست گرفته‌اند.

### فعالیت‌های حزب

1- برای زیاد کردن افرادش کوشش می‌کند.

2- سعی می‌کند ارگانها و نهادهای قدرت را در جامعه بدست گیرد از قبیل: وسایل تبلیغاتی، منابع قدرت اقتصادی و ارگانهای فرهنگی.

3- شرکت در انتخابات

4- نفوذ در وزارتخانه‌ها

تا بتواند به اهداف خودش در جامعه دست پیدا کند.

بنابراین وقتی حزبی اعلان موجودیت کرد به معنای این است که من يك فرد آگاه و مبارز هستم که در شئون مملکت دخالت می‌کنم.

### انگیزه تشکیل حزب جمهوری اسلامی

از روزی که ما از اسلام آموختیم اگر بخواهیم اسلامی باشیم باید سیاسی باشیم و در شئون اجتماعی دخالت کنیم به این فکر افتادیم که حزبی داشته باشیم که متکی به قدرت ملت باشد تا بتواند ایجاد يك قدرت برای دخالت در امور مملکتی و حکومتی نماید. پس مداخله حزب در امور سیاسی و اجتماعی مملکت امری مسلم است.

## 2- جنبه ایدئولوژیک حزب

يك فرد حزبي بايد جهان‌بیني و طرح‌هایی براي نظارت اجتماعي مبتني بر همان جهان‌بیني داشته باشد که مجموع زیر بنا و رو بنای ایدئولوژی حزب را تشکیل می‌دهد و براساس ایدئولوژی خاص خود طرح‌های اقتصادي و حکومتي و سیستم اجتماعي را ارائه می‌دهد زیرا اگر دارای طرح‌های مملکتی نباشد حزب نیست.

### شرط فعالیت حزب در جامعه

حزب اگر بخواهد در جامعه فعالیت داشته باشد نمی‌تواند زیر بنای ایدئولوژی و فلسفی و تحلیل‌های تاریخی و نظری قاطع پیرامون آزادی اجتماعي نداشته باشد، نمی‌تواند طرح‌های اقتصادي نداشته باشد.

### 3- جنبه‌های اجتماعي حزب

حزب بایستی دقیقاً در مسایل اجتماعي و «موسسات و نهادهای اجتماعي» دخالت کند و «موسسات فرهنگی انقلابي» ایجاد کند «کانون‌های جوانان و کانون‌های مربوط به مسایل اجرایی» داشته باشد که از يك بعدش ممکن است به مسایل سیاسی برگردد. معمولاً احزاب و مذاهبی که می‌خواهند نقش حزب را بازی کنند و فعالیت سیاسی داشته باشند دیده شده است که از راه فعالیت‌های اجتماعي وارد شده‌اند. مثال: گروه‌های مسیحی یا صهیونیستها که برای اهداف سیاسی خود از طریق ایجاد مدرسه یا واحدهای فرهنگی و فیلم و مسایل هنری داخل شده و به هدف خود رسیده‌اند.

برای موفقیت در سه جهت مذکور، به همبستگی و تحزب و افرادی که ایدئولوژی واحد داشته و در مبارزه سیاسی و عمل انقلابي آماده هستند و حاضر به عمل گروهی هستند احتیاج داریم و اگر عده‌ای یا افرادی از جهت مطالب سه‌گانه فوق کنار باشند حق تشریک را ندارند همین طور که در اساسنامه حزب این مطلب آمده است:

«هر مسلمان متعهد مومن به انقلاب اسلامي و مبارز که حاضر باشد عمل دسته جمعي انجام بدهد می‌تواند به عضویت حزب در آید.»  
چنین افرادی حتماً باید متحد شوند تا قدرتي عظیم تشکیل دهند هم از نظر سیاسی و هم اجتماعي. وقتی قدرتها در یکجا متمرکز شد توان حفظ انقلاب را خواهند داشت. مخصوصاً در ابتدای انقلاب که به ارتش و دولت نمی‌توان اطمینان کامل داشت زیرا ارتش هنوز به تمام معنا منسجم نگردیده و دولت هم دولت موقت است و بدان صورت قدرت ندارد که در مقابل ضدانقلاب پایدار باشد آنچه فعلاً بعد از خدا، حافظ انقلاب است دو قدرت می‌باشد:

1- قدرت رهبری

2- قدرت مردم

وقتی رهبر مطلبي را اعلام می‌کند مردم با آغوش باز استقبال می‌کنند و فقط این ملت حافظ این انقلاب هستند طبعاً این مردم اگر منسجم باشند قوی‌تر می‌توانند به این وظیفه (حفظ انقلاب) عمل کنند. لذا تشکل و تجمع قوی زیر پوشش حزب مطلبي لازم و مفید می‌باشد.

اگر يك حزب در دست سازماندهی دارای استخوان‌بندی عمیق در سراسر شهرها و دارای افراد با نفوذ نباشد این نیروهای تازه نفس و جوان رو به کاهش نهاده و کم‌کم از درون به سردی می‌گراید و این پیکر منسجم شده رو به تفرقه و تشتت می‌رود. ولي وقتی این نیروها را سازمان دادیم و اسکلتی تشکیل شد، همچون پیکری می‌شود که با مختصر ضربه به يك عضو، تمامی اعضا به کمک آن شتافته و اعصاب يك پیکر، ضربه را به مغز رسانده و از مرکز دستور لازم صادر می‌گردد.

اگر انقلاب بخواهد با تمام ابعادش پیش برود احتیاج به بسیج شدن نیروهای صالح و مفید دارد. مخصوصاً که این انقلاب عمیقاً مبارزه برای ایجاد نظام اسلامي بوده که نباید این فرصت را از دست داد و همچنین زمانیست که دنیا متوجه انقلاب ماست تا ببیند اسلام چگونه حکومتي دارد و از این درس بگیرد.<sup>1</sup>

### انگیزه و هدف از تشکیل حزب جمهوری اسلامي

در سیر کارهای هیات موتلفه بعد از آنکه فعالیت‌های آنها از نظر رژیم فاش شد و يك عده‌اي قبل از آن در رابطه با حادثه منصور دستگیر شدند و بعد هم به صورت‌های دیگر دسته دسته از گردانندگان هیات‌های موتلفه دستگیر شدند و فشار و اختناق رژیم بسیار شد، ایجاب می‌کرد که فعالیت آن برادرانی که در آن قضیه کار می‌کردند به يك صورت نیمه علنی شروع شود و تلاشی در زمینه ایجاد رفاه به عمل آید یعنی بنیاد تعاون در رفاه اسلامی که - مدرسه رفاه هم یکی از واحدهای آن کار بود و در زمینه‌های مختلف امدادی، تبلیغی، اجتماعی و خدماتی کار می‌کرد تشکیل شود اردوها، همچنین صندوق قرض‌الحسنه، کارهای تبلیغاتی، آموزشی و فرهنگی به وجود آید که اینها البته مسایل ظاهراً روبنایی کار بود و در زیر پرده کارهای مخفی سیاسی در جهت ادامه مبارزات امام خمینی و گسترش آثار ایشان و بیانیه‌ها و رهنمودهای ایشان بصورت وسیع پخش می‌شد و انجام می‌گردید.

### طرح مساله تشکیل حزب با امام

برادران ما در این واحدها نقش اساسی داشته مساله تشکیل حزب را گذشته از سابق که به صورتهایی با امام مطرح می‌شد و این اواخر که حدود یکسال به پیروزی نهضت مانده بود که ایشان در نجف بودند با ایشان مطرح شد با اینکه بایستی يك حزبی تشکیل شود و مذاکره مفصل‌تر و در پاریس با ایشان انجام شد اعلام حزب جمهوری اسلامی در این هفت هشت ماهه به دو علت تاخیر افتاد:

1- یکی اینکه بدرستی نمی‌توانستیم تصمیم بگیریم که آیا حزب رسماً علنی باشد و یا اینکه مخفی باشد. اگر مخفی بود نمی‌توانست گسترش و تعمیم داشته باشد در حالی که هدف حزب این بود که نیروهای مبارزی را که در سراسر کشور بودند بتواند بتدریج در برگیرد و اما اگر می‌خواست علنی باشد این خطر وجود داشت که موسس و کارکرد اصلی حزب مورد هجوم دستگاه قرار بگیرد و حزب متلاشی شود.

2- دوم حوادث پی در پی، اعلام و تاسیس حزب را به تاخیر می‌انداخت والا در طول 7، 8، ده ماه برای انتخاب افرادی برای شورای مرکزی حزب، از قشرهای مختلف مثل دانشگاهیان و دانشجویان، فرهنگیان، کارگران، اصناف و پیشه‌وران و روحانیون و غیره و مذاکرات و بررسی‌های زیادی انجام شد و اول قرار این بود که شورای مرکزی حزب از بین 30 الی 40 نفر انتخاب شود.

برای اینکه ما از هر قشر اجتماعی 4 یا 5 نفر از بهترین افرادی که در خط انقلاب هستند و مورد اعتماد هستند و اهل تشکیلات و سازماندهی و همکاری دستجمعی هستند، شناسایی و انتخاب کنیم و با ایشان مذاکره کنیم که این مدت طول کشید بنابراین کار اعلام حزب به بعد از پیروزی موکول شد.

### احساس ضرورت تشکیل حزب بعد از پیروزی

حدود بیست و هفتم بود که در بعضی از ملاقاتهایی که با امام صورت گرفته بود ایشان باز خواستند که چرا حزب اعلام نمی‌شود و معلوم بود که قبل از پیروزی به این اندازه تشکیل حزب و اعلام حزب ضرورت نداشت به خاطر اینکه بسیج عمومی مردم در برابر رژیم يك نوع همبستگی و انسجام آورده بود و توسط يك نوع شبکه وسیع ارتباطی، تصمیم‌گیری‌ها بطور گسترده و وسیع در سراسر کشور به اطلاع می‌رسید و مردم با آن حالت بسیج عمومی که داشتند و آن حالت پرخاش که نسبت به شاه و جنایاتش داشتند می‌توانستند سریع اقدام بکنند و تصمیم بگیرند و در واقع يك نوع شبکه نامرئی حزبی در سراسر کشور بین گردانندگان مبارز وجود داشت و مطمئناً این حالت بعد از پیروزی به آن صورت نمی‌بود و باقی نمی‌ماند برای اینکه محیط باز شده بود و دیگر آن حالت بسیج و پرخاش بر يك نقطه خاص از بین رفته بود بنابراین این دوره، دوره آزادی بود و قشرهای مختلف اجتماعی افکار خودشان را و بینش‌ها و برداشت‌ها و موضع خودشان را به صورتهای مختلف ابراز می‌کردند و طبعاً محیط گسترده‌ای برای تشکیل گروه‌ها و دستجات و جناح‌های مختلف بوجود آمده بود.

## جلوگيري از پراکندگي نيروهاي بسيج شده

و ايجاب مي‌کند در اين شرايط به سرعت يك حزب اسلامي در خط انقلاب اسلامي به رهبري امام اعلام موجوديت بکند که بتواند بيشتري نيروهاي مبارز را در بر بگيرد و از پراکندگي و از هم‌گسيختگي اين نيروهاي بسيج شده جلوگيري کند و يا اينکه نگذارد بدام اين و آن گروه چپ و راست بيفتد و بر اين اساس امام مواخذه مي‌کردند و مي‌گفتند که چرا حزب را اعلام نمي‌کنيد و ما در روز 29 بهمن يعني يك هفته بعد از پيروزي انقلاب حزب را اعلام کرديم و از آنجا که بايد گفت ناگهان مواجه با اين موقعيت شده بوديم و در واقع بايستي گفت غافلگير شده بوديم. البته افراد زيادي شناسايي شده بودند منتهي اين ترديد وجود داشت که اعلام اين افراد مواجه با چه نوع قضاوت و موضع‌گيري از طرف قشرهاي مختلف مي‌شود چون ممکن است احيانا فردي يا افراي مورد توافق و پسند بعضي شود و مجال اين نبود از اين رو قرار شد که همان 5 نفر روحاني هيات موسس حزب را اعلام کنند تا اين فرصت از دست نرود.

## اداره حزب بوسيله شوراي مرکزي

از هفته سوم بود که حزب توسط شوراي مرکزي که بين 20 تا 30 نفر از قشرهاي مختلف بودند اداره شد و دقيقا تصميم‌گيري‌ها با راي افراد در شوراي مرکزي بود و از آن پس 5 نفر روحاني موسس اعلام کننده حزب نقش و راي شان همانند راي 20 و چند نفر برادران و خواهان ديگر بود که در داخل شوراي مرکزي شرکت داشتند.

## انتخاب نام حزب تحت عنوان جمهوري اسلامي به چه علت بوده است؟ آيا اين نوعي سوء استفاده نيست؟

بنظر من اين حسن تدبير و هوشيارتي تبليغاتي و اجتماعي يك حزب هست که بتواند درست در مسيرخواستهاي بحق يك ملت و شعارهاي بحق يك مبارزه حرکت کند و واقع امر اين بود که ما حزب را در متن انقلاب و در بستر اصلي و راستين انقلاب مي‌دانستيم يعني نظر اين نبود که حزب جناح‌هاي خاصي را بصورت گروه‌هاي انتقاد کننده و يا داراي مواضع و ايدئولوژيهاي خاص فرد در حاشيه اين بستر انقلاب جلب کرده باشد. حزب از پديده‌هاي انقلاب بود و در بستر انقلاب بود و لذا بايستي از ملموس‌ترين و شايسته‌ترين و آشنايترين شعار و اصطلاحات استفاده مي‌کرد، بلکه اگر يك گروه يا يك حزب مارکسيستي با داشتن ايدئولوژي غيراسلامي آمده بود از پوشش اسلامي و انقلاب استفاده کرده بود همانطور که الان مي‌بينيد بعضي از احزاب چپ و وابسته به شوروي از احساسات و يا مسير حرکت عمومي توده‌هاي مسلمان و شعارهايشان استفاده مي‌کنند جاي اين بحث بود (يعني سوء استفاده از نام جمهوري اسلامي) اما اگر چنانچه حزب، حزبي بود که از متن انقلاب جوشيد بايد از مانوس‌ترين شعارها و اصطلاحات هم استفاده کند و اين استفاده تبليغاتي صحيح و به موقع غير از يك موضع‌گيري فريبکارانه است و فراموش نکنيد که حزب يکي از عناصرش آن تشکيلات وسيع تبليغاتي و جاذبه‌هايش است و استفاده صحيح و بجا از امکان و فرصتهاي اجتماعي است، بنا بر اين وارد بود اگر ايدئولوژي و راه حزب و موضع حزب برخلاف جمهوري اسلامي مي‌بود و بعد از اين اصطلاح استفاده مي‌کرد ولي وقتي ايدئولوژي و موضع درست در بطن جمهوري اسلامي است چرا از اين اصطلاح بعنوان يك وسيله صحيح و بحق تبليغاتي استفاده نکند.

## موضع حزب در برابر گروه‌هاي ضداسلامي، غيراسلامي و شبه‌اسلامي

حزب، وقتي يك حزب مکتبي باشد و زير بناي ايدئولوژيکي روشن داشته باشد (که حزب جمهوري اسلامي چنين است) و يقينا مکتبي بينديشد و اسلامي، مشخص است که در برابر هر نوع مکتب و حزبي که يا الحادي باشد و يا براساس مکتبي ديگر به غيراسلام باشد يا اصلا غيرمکتبي و بي‌محتوا باشد و يا آميزه‌اي باشد از مکتب و از ايدئولوژي الحادي، نمي‌تواند سرسازش داشته باشد مگر آنکه خاصيت مکتبي خودش را از دست بدهد البته يك وقت بحث در نوع برخورد و مقابله و برابري با هر يك از اين احزاب و سازمانهاست. گاهي مصلحت انقلاب اين است که درگيري تند و رو در رو با

بعضی از این احزاب که نام بردیم انجام نشود اما بدان معنا نیست که ما بتوانیم تفکیک و ائتلافی بوجود آوریم و یا سازمانی از آن نوع یا از آن نوعی که قبلاً برشمردیم در حزب ادغام کنیم. چه بسا در مواردی که بعضی از این حزبها که نام بردیم بخاطر توطئه‌شان، خیانت‌شان و تجاوزشان بعنوان یک وظیفه اسلامی در حوزه حکومتی جمهوری اسلامی، ما موظف به رو در رویی تند و درگیری باشیم. چه بسا در مواردی که توطئه آنها در سطح سمپاشی‌ها و تحریک‌ها و نفاق‌افکنی‌ها باشد ما موظف به افشاگری و بیان حقایق و ارائه اسناد و مدارکی علیه خیانت بعضی از گروه‌ها قرار بگیریم اما اگر از این دو مساله بگذریم یعنی عملکرد بعضی از حزبها و جناحها بصورت توطئه و اقدام و قیام علیه جمهوری اسلامی و یا بصورت تحریک و سمپاشی و تحریف و دروغ‌پردازی نباشد بلکه آنها به فعالیت‌های سیاسی‌شان و حتی فعالیت‌های ایدئولوژیکی‌شان بخواهند ادامه بدهند بدون اینکه اخلاق و توطئه‌ای در نظام جمهوری اسلامی بوجود بیاورند، و ما از آنجا که ایدئولوژی حزب‌مان از اسلام الهام می‌گیرد، اصل آزادی فکر و ابراز عقیده و فعالیت‌های اجتماعی را محترم می‌شماییم در صورتیکه خیانت و تحریک و توطئه وجود نداشته باشد.

اگر چنین باشد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فکری را جلوگیری نمی‌کنیم و موضع‌گیری منفی نداریم و در مورد احزاب اسلامی هم اگر واقعا احزاب اسلامی باشند (اسلامی پاک و راستین) و رابطه آنها با اسلام نه یک رابطه پوششی باشد برای بیان ایدئولوژی دیگری، یا رابطه آنها با انقلاب اسلامی صرفا یک رابطه سپر حفاظتی نباشد برای خودشان در حالی که در پشت پرده وابستگی‌های به بیگانه یا به عمال خائن رژیم گذشته و غیره دارند، یا اصولا عملکردشان و موضعشان ضد انقلاب اسلامی است پاسخ موضع ما در برابر احزاب اسلامی این است که تا چه حد اسلامی به معنای راستین باشند و تا چه حد موضع سیاسی‌شان به راستی موضع امام و انقلاب اسلامی باشد به هر نسبت که نزدیک‌تر باشند ما آنها را برادر و یارو همکار خودمان در صحنه مبارزه می‌دانیم.

### **حزب دقیقا ادامه همان حرکت انقلابی اسلامی توده مسلمان ما بود**

به خاطر دارید در گذشته مبارزه این نهضت حزبهای فراوانی داشت نهضت ما آن همه مسافرت‌ها، تکثیر نوارها، پخش اعلامیه‌ها و کتابها، تشکیل محافل تدارکاتی که برای راهپیمایی و تظاهرات آنها انجام می‌شد و غیره و ذلك. همه اینها احتیاج به بودجه‌هایی داشت در گذشته بودجه این حرکت و نهضت اسلامی از طریق خود یاری مردم و گذشته‌هایی که افراد می‌کردند حتی بعضی از نان شب‌شان و زندگی‌شان می‌گذشتند و مقداری را صرف کارهای مبارزه می‌کردند به همین ترتیب مردمی که در حزب گرد آمدند و همکاری اعلام کردند با تشکیل حزب دقیقا تشکیلات حزب را به عنوان یک حرکت اسلامی و خدمت فی سبیل الله تلقی می‌کردند و بنابراین به صورت‌های مختلف در کمک به اداره حزب می‌کوشیدند. علاوه بر آن خود مساله وجوه و سهم امام همان طوری که می‌دانید از مصارفش فقط اسلام است و پیشبرد تبلیغات اسلام و خدمات اسلام و حفظ کيان امت اسلام است و بنابراین اگر فعالیت‌هایی انجام می‌شود که دقیقا در خط انقلاب اسلامی است بنابراین از وجوه شرعی می‌توان در این راه مصرف نمود و البته مقداری هم به صورت قرض الحسنه گرفته شده است.

وقتی ما معتقدیم که حزب جمهوری اسلامی دارای پایگاه مردمی در خط انقلاب هست ما نمی‌خواهیم بگوییم که منحصرأ همه کسانی که در خط انقلاب بودند در این حزب گرد آمدند ولی در هر حال مدعی هستیم که آن کسانی که گرد آمدند و اظهار علاقه می‌کنند و همکاری می‌کنند همان مردم در خط انقلاب اسلامی هستند بنابراین همین مردمی که در گذشته انقلاب را اداره می‌کردند و آن همه کارهایی که در آن شرایط خفقان و اختناق با زحمت و با آن همه مقاومت و صدمات و ضربات رژیم انجام می‌دادند این پولها و بودجه‌ها چگونه تامین می‌شد ملت ملتی است که آرمان دارد هدف دارد منتظر است که در خدمت به انقلاب باشد و تا هر قدر که می‌تواند کمک کند.<sup>2</sup>

### **سخنان دکتر باهنر در رابطه با حزب و تشکیلات**

\* حزب جمهوری اسلامی برای پاسداری و حمایت از انقلاب و حرکت در خط امام شناخته شده است.

\* حزب دقیقاً ادامه همان حرکت انقلابی اسلامی توده مسلمان است.  
\* وقتی يك حزب مکتبی باشد و زیربنای ایدئولوژیکی روشن داشته باشد و یقیناً مکتبی بیندیشد و اسلامی، نمی‌تواند سرسازش داشته باشد مگر آنکه خاصیت مکتبی خودش را از دست بدهد.  
\* از آن جا که ایدئولوژی حزبمان از اسلام الهام می‌گیرد، اصل آزادی فکر و ابراز عقیده و فعالیت‌های اجتماعی را محترم می‌شماریم در صورتی‌که خیانت و تحریک و توطئه وجود نداشته باشد.  
\* هر حزب اسلامی در برابر هر مکتب و حزب الحادی یا غیراسلامی یا غیرمکتبی و بی‌محتوی، نمی‌تواند سرسازش داشته باشد مگر آنکه خاصیت مکتبی خودش را از دست بدهد.  
\* ما معتقدیم که حزب جمهوری اسلامی دارای پایگاه مردمی در خط انقلاب هست.  
\* ما این حزب را در متن انقلاب اسلامی قرار دادیم، یعنی همراه و همگام با جریان انقلاب و سیر آن ناگهان حزب از دل این انقلاب اسلامی شکوفا شد.  
\* توده مردم تشکیل حزب را یکی از شکوفه‌های خود انقلاب تلقی کرده و از آن استقبال کردند.  
\* افرادی موجودیت حزب را اعلام کردند که به هر حال در خط انقلاب بودند و همراه و همگام رهبری و برای اینکه ارتباط با رهبری را حفظ کنند و تثبیت کنند، موجودیت حزب را اعلام کردند.  
\* حزب جمهوری اسلامی بر این اساس تشکیل شده که نیروهای انقلابی پراکنده را سازمان داده هماهنگ کند و از نظر بینش ایدئولوژیکی آنها را مجهز سازد.

روزنامه جمهوری اسلامی 1360/11/29 شماره 789 صفحه 16

1- منبع: روزنامه جمهوری اسلامی 1361/11/28، ویژه‌نامه صفحه 7

2- منبع: روزنامه جمهوری اسلامی 1359/12/04 صفحه 12 این بیانات در مصاحبه‌ای که با ایشان شده بود، ایراد گردیده است.